

## گزیده ای از بیانات مرحوم حضرت آیه ا □ العظمی هاشمی شاهرودی

عنوان : خداوند خواسته است مرا کشته ببیند...

بسم □ الرحمن الرحيم و الحمد □ رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا محمد وآله  
الطيبين الطاهرين

در برخی نصوص شواهدی وجود دارد دال بر اینکه حضرت سید الشهداء ابا عبد □ الحسین (علیه السلام) تصریح فرموده اند که : «خداوند خواسته است مرا کشته ببیند» و یا «هر کس با من سفر کند شهید میشود». اما از سوی دیگر گروهی از صاحب نظران ، درصددند که با خدشه سندی و تاریخی به این نقطه برسند که این روایات مآخذ صحیحی ندارند. لیکن باید گفت که ما اساساً نیازی به تصحیح سندی این روایات نداریم چرا که شواهد دیگری علاوه بر این روایات حاکی از آن است که امام حسین (علیه السلام) حتی اگر نگوییم یقین به شهادت داشتند لا اقل ظنٌ به این مسأله داشته اند؛ این حقیقتی است که مطالعه سیر طبیعی امور در آن زمان، ما را به نتیجه آن میرساند. پس اساساً امام (علیه السلام) نظر به کسب مظلومیت داشته و میخواستند وضعیتي را پیش چشم توده مردم ایجاد کنند تا آنها به وضوح و آشکارا ببینند که کسانی که متولي امور هستند تا چه میزان مجرم و جنایتکار و به دور از انسانیت هستند چه

رسد به اسلام و مبادی اسلامی. انسان وقتی جوانب قضیه را ملاحظه میکند میبیند که امام (علیه السلام) خانواده و کودکان خود و برادرزاده‌ها را به کوفه میبرد. در حالی که اگر امام (علیه السلام) بر اساس آن چه صاحبان نظریه تفسیر سیاسی از قیام سید الشهدا (علیه السلام) میگویند، نقشهای دقیق برای اسقاط حکومت کشیده بود و به پیروزی خود مطمئن بودند، دلیلی نداشت این افراد را که در این هدف سیاسی هیچ نقشی نداشتند به همراه خود ببرد.

رسالت تاریخی امام (ع)

نقش این افراد تنها در محقق ساختن هدفی که بر اساس نظریه تفسیر بر اساس رسالت تاریخی امام (ع) تبیین میشود، بروز و ظهور مییابد، این هدف ایجاد يك نتیجه فاجعه بار در وسیعترین سطح ممکن است. تا از خلال آن احساسات همه مردم به لرزه افتد و در نتیجه اعتبار حاکمان و سلطه‌گران در پیشگاه هرمنطق و تصویری فروریزد. پس وقتی هدف این است، امام (ع) باید اهل و عیال و کودکان خود را به همراه برد و تا جای ممکن تنور این فاجعه را داغتر نماید تا مظلومیت حقیقی آن حضرت هر چه نمایانتر گردد و در مقابل، چهره دشمنان در کریهترین صورت ممکن، بروز یابد؛ ترکیب کاروان سید الشهدا (ع) نشان میدهد که حداقل امام (ع) مطمئن به شهادت خویش و ناچار بودن خود از ایفای این نقش بوده‌اند. پس بر اساس این شاهد باید گفت که امام (ع) حداقل این هدف را به عنوان هدف نخست (اسقاط حکومت) یاری نفرمود، ایشان به هدف دوم یعنی ایجاد لرزه در وجدان امت نائل گردید. یکی دیگر از شواهد بر این مطلب این است که آن حضرت بعد از آن که از شهادت جناب مسلم بن عقیل آگاه شدند، همچنان به راه خود ادامه دادند و برنگشتند. در حالی که اگر امام (ع) تنها و تنها يك هدف سیاسی را - به معنایی که شرح دادیم - دنبال میکردند، از آن جا که فهمیده بودند، مسلم شهید شده است میتوانستند برگردند زیرا هدف عملی نشده بود زیرا بنا به فرض، هدف فقط به دست گرفتن حکومت بوده است و حرکت حضرت تنها متوجه به این مسأله بوده است به نحوی که اگر امام (ع) از ابتدا میدانستند که به این نتیجه نمیرسند حرکت نمیکردند.

خیانت اهل کوفه

پس وقتی مطلع شدند که اهل کوفه خیانت کرده‌اند و مسلم بن عقیل به شهادت رسیده است و در نتیجه دیگر حضرت یاری در کوفه ندارند، نیل به هدف منتفی بوده و علیالقاعده ایشان باید بر میگشتند. ممکن است گفته شود حضرت در بصره نیز یارانی داشته‌اند ولیکن این امر نیز کمکی برای وصول به هدف نمیتوانسته باشد. زیرا آنها به کوفه نرسیده بودند و از سوی دیگر ابن زیاد که توانسته بود مسلم را که در کوفه بود و بر امور مستولی شده بود، به شهادت برساند،<sup>93</sup> توان بیشتری بر استیلاء بر بصره و بصریها داشت. بنابراین، عدم مراجعت امام (ع) پس از رسیدن خبر شهادت جناب مسلم و پس از آن که فرزاد شاعر بر خیانت کوفیان با عبارت «دلهايشان با تو شمشیرهایشان بر توست» (احقاق الحق، ج 27: 201؛ الامالی: 93)، تأکید نمودند و امام (ع) در عین این که سخن او را تکذیب نکردند ولی به راه خود ادامه

دادند، نشان میدهد که امام هدی بزرگتر از صرف مسأله به دست گرفتن حکومت در آن مقطع محدود از تاریخ اسلام داشتند. ایشان افقی بسیار وسیعتر و دوردستتر را نظاره میفرمودند و به کل آینده امت اسلامی نظر داشتند و این امر منوط و متوقف بر اقدامی دیگر است. شاهد دیگری که بر این مطلب وجود دارد، این است که وقتی به تاریخ و سیره حضرت سید الشهداء (ع) نگاه میکنیم میبینیم که آن حضرت پس از آن که در مدینه و با فشار حکام اموی برای بیعت کردن با یزید و تهدید ایشان به قتل مواجه شدند، اقدام به خروج فرمودند. همچنین کلماتی از آن حضرت صادر شده است مبنی بر این که: «اینان مرا رها نخواهند کرد. مرا رها نخواهند کرد تا به قتل برسانند» (الارشاد: 76؛ الکامل فی التاریخ، ج 4، ص 40؛ البحار: 44/374) اینها تعابیری است که از امام حسین (ع) صادر شده است و نشان میدهد که نقطه شروع حرکت حضرت سید الشهداء (ع)، نقطه‌ای است که «حتی اگر او به پرده کعبه آویزان باشد او را به قتل میرسانند» - چنان که فرستاده یزید به مکه نوشت - امام (ع) از این نقطه شروع میکند. در حالی که اگر هدف ایشان بر پا کردن حکومت اسلامی به نحوی که قائلین به این تفسیر میگویند، میبود ایشان باید فارغ از این که بنی امیه میخواهند ایشان را بکشند یا نه، اقدام به حرکت میفرمود، در حالی که چنان که گفته شد، ایشان بعد از مواجهه با فشار بنی امیه و پس از آن که دانستند که طواغیت به هر حال ایشان را خواهند کشت - زیرا یا بیعت میخواهند که بیعت کند و یا او را به قتل میرسانند - اقدام به حرکت فرمود. پس در برابر ایشان به جز دو گزینه وجود نداشت؛ یا میبایست امت را رها کند و به منطقهای دور دست برود و بدل به يك انسان مجهول و ناشناخته شود که این بر خلاف اصل مسؤولیت شرعی بود که بر عهده هر انسانی نهاده شده است زیرا این در واقع ترجیح دادن سلامت خود بر سلامت امت است. و یا میبایست به این شکل شهید میشد و هدف تاریخی خود را به انجام میرساند. شواهد دیگری هم وجود دارد که انسان میتواند آنها را از مسیر حرکت امام (ع) و از خلال کلمات آن حضرت استخراج کند و همه دلالت بر این دارند - و یا لاقلاً - این احتمال را در ذهن تقویت میکند - که امام حسین (ع) از ابتدای حرکت از مدینه و مکه این حقیقت را که این حرکت منجر به شهادت خواهد شد مد نظر داشته است و این که این قضیه، قضیه شهادت و قربانی شدن و جانفشانی در این سطح است تمام غرض و هدف ایشان - یا لاقلاً یکی از دو هدف ایشان - این بوده است که اگر در به دست گرفتن حکومت موفق نشد، تکلیف و رسالت الهی خود را در بیدار کردن امت اسلامی، به انجام رساند.

انگیزه سیاسی امام حسین (ع)

تفسیر و نظریه انگیزه سیاسی قیام حسینی، علی رغم امتیازاتی که دارد لیکن تفسیری جزئی و مقطعی است که بر اساس آن، انگیزه و هدف امام (ع)، انگیزه و هدفی محدود میشود، هر چند که این هدف نیز هدفی شرعی است که استحقاق آن را دارد که برای آن بذل جان شود. لیکن باید دانست که انگیزه‌های که ما برای این نهضت مبارک تصور میکنیم بسیار وسیعتر و عمیقتر از این مقدار است. خداوند به همه ما توفیق پیروی از آن امام را عنایت فرماید. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

